

## هدف مشترک سلطانه‌های نفت و اسلحه در افریقا

در شماره قبل سیاست امریکا در زمینه نفت عراق را بررسی کردیم و موانع بر سر راه خیال خام غارت عراق را برشمردیم. اکنون در این نوشته به بررسی سیاست نفتی امریکا در قاره افریقا میپردازیم. تاکنون میزان ذخایر و تولید نفت کشورهای افریقایی در میان کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت، بسیار محدود به نظر می‌رسید. برطبق برآورد نشریه Arab oil and gas تا پایان سال 2003 میزان ذخایر نفتی کشورهای افریقایی معادل 101/8 میلیارد بشکه و میزان تولید این کشورها در پایان همین سال روزانه افزون بر 8/401 هزار بشکه برآورد شده است. بر اساس گزارش اشیپگل 24 مارس 2004 کارشناسان نفت موجود در زیر آبهای ساحل غربی افریقا را حدود 105 میلیارد بشکه تخمین زده‌اند. از طرفی کنفرانس بازرگانی (Cnuced) و توسعه سازمان ملل متحد مجموع منابع نفتی این قاره را 80 میلیارد بشکه برآورد کرده است، که این رقم 8% کل منابع نفت خام جهان را تشکیل می‌دهد و مطابق پیش‌بینی‌های شورای اطلاعات ملی آمریکا، تا سال 2015 ایالات متحده خواهد توانست واردات نفت خود را از منطقه صحرای افریقا از 16% کنونی، به 25% برساند. از هم اکنون، با تولید بیش از چهار میلیون بشکه در روز، افریقا به اندازه مجموع سه کشور ایران، ونزوئلا و مکزیک نفت تولید می‌کند. تولید افریقا در عرض ده سال 36% افزایش داشته است، در حالی که در همین فاصله زمانی، میزان افزایش تولید دیگر قاره‌ها 16% بوده است. امریکا از ناحیه ساحل عاج تا انگولا را جزو "منطقه منافع ملی" خود قلمداد کرده است. حداکثر تا سال 2015 افریقا میبایستی یک چهارم نیاز امریکا به نفت را برآورده سازد.

نفت افریقا برای امریکا مشحون از امتیاز است. چرا که نفت افریقا بعثت دارا بودن مقدار کمی گوگرد مرغوب‌ترین نفت است. از خلیج گینه تا ساحل نفتی گالوستون در تکزاس یک تانکر نفتی نیمی از مسافتی را طی می‌کند که از خلیج فارس و مهمتر از همه اینکه تمامی کشورهای افریقای غربی به جز نیجریه عضو کشورهای اوپک نیستند و برای نفت کشورهای غیر عضو اوپک صرفاً عامل تقاضا است که قیمت نفت را تعیین می‌کند. قیل از بررسی خزیدن بی صدای نظامی امریکا به افریقا برای غارت منابع نفتی این قاره به اختصار ویژه گیهای چند کشور مورد نظر امریکا را در این قاره بررسی می‌کنیم.

**کامرون:** در ساحل غربی افریقا قرار دارد. کامرون دارای منابع نفتی قابل توجهی است. کامرون نفت خام خود را صادر و نفت تصفیه شده را وارد می‌کند. علاوه بر نفت، قهوه، کاکائو، چوب و آلومینیوم اقلام صادراتی عمده دیگر کامرون را تشکیل می‌دهند. میزان ذخایر نفتی کامرون تا پایان سال 2003 بالغ بر 0/2 میلیارد بشکه نفت و میزان تولید آن تا پایان همین سال روزانه بالغ بر 68 هزار بشکه در روز بوده است. تولید نفت این کشور در سال 2003 روزانه بالغ بر 72 هزار بشکه در روز و در سال 2001 معادل 76600 بشکه در روز بوده است.

**آنگولا:** یکی دیگر از کشورهای افریقایی است که در ساحل غربی این قاره با اقیانوس اطلس قرار گرفته است. از نظر اقتصادی آنگولا با وجود منابع غنی معدنی و طبیعی که تازه در بهار امسال از 15 سال جنگ داخلی رهایی یافت. بعثت تداوم جنگ از رشد اقتصادی و مانده است. آنگولا دارای منابع نفت، آهن، مس و فسفات و سنگ‌های قیمتی، به خصوص الماس است. میزان ذخایر نفت خام این کشور تا پایان سال 2003 معادل 0/8 میلیارد بشکه و میزان تولید نفت این کشور در پایان سال 2003 روزانه بالغ بر 885 هزار بشکه بوده است. به گفته صندوق بین‌المللی پول، در آنگولا، شرکت شوروں بر 75% از تولید نفت نظارت می‌کند.

**الجزایر:** الجزایر در شمال قاره افریقا قرار دارد. الجزایر دارای منابع نفت و گاز طبیعی و همچنین معادن فسفات و آهن و اورانیوم می‌باشد. میزان ذخایر نفتی این کشور 11/3 میلیارد بشکه برآورد شده است. میزان تولید نفت خام این کشور در پایان 2003 بالغ بر 1857 هزار بشکه در روز برآورد شده است که معادل 2/1 درصد سهم تولید نفت در جهان را به خود اختصاص داده است.

**کنگو:** کشوری در منطقه استوایی آفریقا است. کنگو دارای منابع نفتی قابل توجهی است و بیش از 80 درصد کل صادرات این کشور به خارج را تشکیل می‌دهد. شکر، قهوه و کاکائو محصولات عمده کشاورزی کنگو هستند. میزان ذخایر نفتی این کشور تا پایان سال 2003 معادل 1/5 میلیارد بشکه برآورد شده است و میزان تولید نفت این کشور تا پایان همین سال بالغ بر 243 هزار بشکه در روز محاسبه شده است.

**مصر:** این کشور در شمال شرقی آفریقا قرار دارد و در شمال به دریای مدیترانه و از شرق به دریای سرخ محدود است. اقتصاد مصر به تولید نفت، پارچه و پنبه و صنعت توریسم وابسته است. میزان ذخایر نفتی مصر تا پایان سال 2003 معادل 0/3 میلیارد بشکه برآورد شده است و میزان تولید نفت این کشور در پایان همین سال 750 هزار بشکه در روز بوده است.

**لیبی:** از کشورهای شمال آفریقا است و در سواحل جنوبی دریای مدیترانه قرار دارد. این کشور عضو صادرکنندگان نفت اوپک است و 95 درصد اقتصاد این کشور وابسته به نفت خام است. میزان ذخایر نفت خام این کشور تا پایان سال 2003 معادل 36 میلیارد بشکه برآورد شده است. میزان تولید نفت خام این کشور تا پایان سال 2003 معادل 1/488 هزار بشکه در روز بوده است.

**گابن:** کشوری در منطقه استوایی آفریقا و در ساحل غربی این قاره قرار دارد. این کشور نیز از کشورهای صادرکننده نفت است. علاوه بر نفت این کشور صادرکننده طلا، اورانیوم و منگنز هم هست. میزان ذخایر نفتی گابن تا پایان سال 2003 معادل 2/4 میلیارد بشکه برآورد شده است. میزان تولید نفت خام این کشور هم تا پایان همین سال روزانه بالغ بر 240 هزار بشکه محاسبه شده است.

**نیجریه:** در غرب آفریقا و در ساحل شمالی خلیج گینه قرار دارد. این کشور عضو کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است و نفت 90 درصد ارزش صادرات نیجریه را تشکیل می دهد. میزان ذخایر نفتی این کشور تا پایان سال 2003 معادل 34/3 میلیارد بشکه برآورد شده است و میزان تولید نفت خام این کشور روزانه بالغ بر 2/185 هزار بشکه بوده است. نیجریه - نخستین صادرکننده آفریقایی نفت خام - قاعدتا تا سال 2007 باید تولید روزانه اش را از 2/2 میلیون بشکه به 3 میلیون بشکه افزایش دهد، در سال 2020 این مقدار به 4/42 میلیون خواهد رسید.

**سودان:** این کشور که در شمال آفریقا قرار دارد از کشورهای بسیار فقیر جهان است و علاوه بر نفت، پنبه نیز تولید می کند. میزان ذخایر نفتی این کشور تا پایان سال 2003 معادل 0/7 میلیارد بشکه برآورد شد. سودان که سه سال پیش صدور نفتش را آغاز کرده است هم اکنون 186000 بشکه در روز استخراج می کند.

**تونس:** این کشور در شمال آفریقا در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد. این کشور دارای معادن فسفات سنگ آهک و منابع نفت است. میزان ذخایر نفت خام این کشور تا پایان سال 2003 معادل 2/3 میلیارد بشکه و میزان تولید نفت این کشور تا پایان سال 2003 روزانه بالغ بر 66 هزار بشکه برآورد شده است. دیگر کشورهای آفریقایی هم در مجموع 2/3 میلیارد بشکه ذخایر نفتی دارند و روزانه بالغ بر 74 هزار بشکه نفت تولید می کنند. به این ترتیب کل ذخایر نفتی کشورهای آفریقایی تا پایان سال 2003 معادل 101/8 میلیارد بشکه است و روزانه 8/401 هزار بشکه نفت تولید می کنند کارشناسان، هم صدا، می گویند که در ده سال آینده قاره آفریقا پس از خاور میانه به دومین منبع نفت و احتمالا گاز طبیعی ایالات متحده تبدیل خواهد شد. دو راه حل استراتژیک محور اندیشه سیاسی آمریکا را در آفریقا تشکیل می دهند: در غرب، لوله ی نفتی چاد-کامرون و در شرق لوله ی نفتی هیگلگ-پورت سودان.

علاوه بر نفت و منابع هیدروکربنی آمریکا به وابستگی خود به مواد اولیه تولید شده در این قاره آگاهی یافته است: منگنز (تولیدات فولاد)، کبالت و کروم که از ضروریات آلیاژها هستند (از جمله در صنایع هواپیمایی)، و انادیوم، طلا، آنتی موان، فلورور، ژرمنیوم... که جمهوری دموکراتیک کنگو (زئیر سابق) و زامبیا ۵۰ درصد ذخایر جهانی کبالت را در اختیار دارند. ۹۸ درصد ذخایر جهانی کروم در زیمبابوه و آفریقای جنوبی است. به علاوه، این کشور ۹۰ درصد ذخایر فلزی از گروه پلاتین (پلاتین، پالادیم، رودیم، روتیم، ایریدیم و اسمیوم) را در خود متمرکز کرده البته به این فهرست بایستی الماس های صنعتی را هم اضافه کرد.

بنوشته abramovici نویسنده ی کتاب "صخره ی اشغال شده"، پاریس ۲۰۰۱، آمریکا تحت لوای جنگ بر ضد تروریسم، حضور خود را در آفریقا گسترش داده است. و با آگاهی از وابستگی اش به مواد خام استراتژیک، تعداد توافق نامه های اقتصادی و نظامی خود را با بسیاری از کشورهای آفریقایی افزون کرده تا بدین ترتیب «امنیت» ذخایر خام خود را افزایش دهد. در عرض چند سال، توجه سیاسی و نظامی آمریکا به آفریقا به میزان قابل توجهی افزایش یافته که شاهدش بازدید وزیر امور خارجه، کالین پاول، از گابن و آنگولا، در سپتامبر ۲۰۰۲ (فقط یک ساعت حضور در هر کشور، صرفا برای اعلام وجود!)، سفر رئیس جمهور جرج دبلیو بوش به سنگال، نیجریه، بوتسوانا، اوگاندا و آفریقای جنوبی، در ژوئیه ۲۰۰۳، و دوره ی ژنرال چارلز ف. والد، معاون فرماندهی Eucom در ده کشور (غنا، الجزایر، نیجریه، آنگولا، آفریقای جنوبی، نامیبیا، گابن، سائو تومه، نیجر و تونس) دو هفته پیش از برگزاری اجلاس اشتوتگارت بود. روسای ستاد ۸ کشور آفریقایی (چاد، مالی، موریتانی، مراکش، نیجر، سنگال، تونس، ...)، در روزهای ۲۳ و ۲۴ مارس ۲۰۰۴، برای نخستین بار و بی سر و صدا، در مقر فرماندهی اورپایی ارتش آمریکا (US-Eucom) در

اشتونگارت آلمان جلسه ای تشکیل دادند. بنابر نوشته Christophe Servan در اوموند دیپلماتیک ژانویه 2003 " یک مقام بلند پایه فرماندهی نظامی ایالات متحده در اروپا، ژنرال کارلتون فولفورد، در ژوئیه 2002 به سائو توم و پرنسیپ رفت تا مسأله امنیت اپراتورهای نفتی در خلیج گینه و همین طور احتمال مستقر ساختن یک فرماندهی نظامی درجه دوی آمریکا در این منطقه را، شبیه به آنچه اکنون در کره جنوبی وجود دارد، مورد بررسی قرار دهد. چرا که قرار است خلیج گینه، که ذخائری به اندازه 24 میلیارد بشکه دارد، به نخستین قطب جهانی تولید نفت از طریق سکوهای شناور با چاه های بسیار عمیق تبدیل شود."

بنا بر گزارش نشریه نیشن در خلیج گینه دو سوم امتیازهای نفتی به پیمانکاران آمریکایی که "پیوندهای نزدیکی با دستگاه آقای ریاست جمهوری بوش" دارند اعطا شده است. افتتاح خوردو برد ها و معاملات پنهان و زدو بند های شرکتهای نفتی با دولت آمریکا آنقدر بالا گرفت که خبرگزاری رویترز در اوت 2004. اعلام کرد کمیسیون نظارت بر بورس اوراق بهادار و معاملات آمریکا از 5 شرکت بزرگ نفتی این کشور خواست اطلاعاتی در باره معاملات با دولت و مقام های کشور نفت خیز آفریقایی گینه استوایی در اختیار این نهاد قرار دهند. این کمیسیون از شرکت های " اکسون موبیل"، "شورون تگزاکو"، "آمرادا هس"، "ماراتون اویل" و "دوون انرژي" درخواست اطلاعات کرده سخنگوی اکسون موبیل، بزرگترین شرکت نفتی جهان گفت: "شرکت نامه ای از این کمیسیون دریافت کرده و ما قصد همکاری کامل با این آژانس را داریم". سخنگویان امرادا، شورون، ماراتون و دوون انرژي نیز گفتند شرکت هایشان درخواست های مشابهی دریافت کرده اند. تحقیقات کمیسیون یاد شده آمریکا همزمان با رسوایی "ریگز بانک" بر سر معاملاتی در حساب های بانکی تحت کنترل "تنودور اوبیانگ نگو ما مباسوگو"، رییس جمهوری گینه انجام گرفته است که یکی از آنها کشف مقادیری پول نقد به وزن 60 پوند در یک کیف است. یک کمیته فرعی سنای آمریکا ماه گذشته بشدت از ریگز به دلیل دست داشتن در فعالیت های مشکوک مالی با مشتریان بین المللی انتقاد کرد. بر اساس گزارش کمیته فرعی سنای آمریکا، شرکت های نفتی در گینه استوایی احتمالاً در اقدامات فساد آمیز مالی در پرداخت یا معامله با مقام های محلی، خانواده های آنان و سازمان ها و نهادهای زیر نظر رسمی آنها دست دارند. این گزارش می افزاید، گینه استوایی، نیجریه، آنگولا و گابن از اهمیت فزاینده ای برای گروه های نفت و گاز برخوردار هستند زیرا این شرکت ها قصد دارند منابع تامین نفت خود را متنوع ساخته و این منابع را در مکانهایی دیگر به غیر از آمریکا، اروپا، آسیا و خاورمیانه پرتش بیابند. همه این 4 کشور آفریقایی تولید کننده عمده نفت خام مشکلات گسترده ای در ارتباط با فساد، فقر و خشونت دارند. بر اساس این گزارش، شرکت های نفتی در برخی موارد از طریق حساب های ریگز به دولت، مقام ها و اعضا خانواده های آنان مبالغ عمده ای پرداخت کرده اند. برای نمونه، آگزون موبیل مجتمعی به مساحت 50 جریب برای دفتر و محل اقامت کارکنان خود از سال 1996 تا 2001 مستقیماً از همسر رییس جمهوری گینه استوایی اجاره کرد. همچنین در سال 2001، نام اجاره دهنده به "آبایاک" تغییر یافت که شرکتی تحت کنترل رسمی رییس جمهوری است. ریگز که از مدت ها پیش بانک رییس جمهوری و دیپلمات ها در پایتخت گینه استوایی بود در سال جاری 25 میلیون دلار به دلیل عدم رعایت قوانین ضد پولشویی در معاملات با گینه استوایی و عربستان سعودی، جریمه پرداخت کرد.

در عین حال بانکهای آمریکایی مامن امنی برای ثروت دزدیده شده توسط دولتمردان فاسد آفریقایی است. اشیپگل در 24 مه 2004 از قول لوس انجلس تایمز نقل میکند در حالی که مردم آفریقا در نبود آب و برق و غذا میسوزند و میمیرند، رئیس جمهور چاد در حساب بانکی خود در واشنگتن 500 میلیون دلار جمع کرده است. در حالیکه دو سوم مردم نیجریه با در آمد 1 دلار در روز زندگی میکنند منابع گاز نیجریه بیش از 5 بلیون متر مکعب تخمین زده شده است و ندادی عثمان وزیر دارایی نیجریه اظهار میدارد که "نفت ما را تبدیل کرده است. قبلاً ما مغز خود را بکار میگریفتیم ولی اکنون جوانها به خود هیچ زحمتی نمیدهند و فاسد شده اند" در حالی که برخی دولتمردان آفریقایی گرفتار فساد، سیاستی جز مدار بسته فقر و ناامیدی و از رشد ماندگی برای مردمشان به ارمان نمی آورند، مردم آفریقا سهمی از نفت خود ندارند. نفتی که مسلمان اگر در یک اقتصاد سالم و ملی در چرخه تولید داخلی بکار برده نشود و به ارزانی به حراج گذاشته گردد فساد آور خواهد بود. این نفت در اقتصاد کشورهای مسلطی ادغام میشود که سهم شیر از "آینده بهتر" را تنها حق خود میپندارند. وقتی که سفیر آمریکا در کامرون، هیوم اظهار میدارد (واشنگتن فایلز اول نوامبر 2001) «آفریقای جنوبی ها و آمریکایی ها دلبستگی مشترکی نسبت به دموکراسی، اقتصاد بازار و جستجوی آینده ای بهتر برای همگان دارند!» بهره وری همگان را تنها در لفظ برای آفریقاییها و سهم شیر را در عمل برای آمریکائیان منظور دارد. این سهم شیر در گفته والتر کانشتاينر معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور آفریقا وضوح میابد وقتی وی اعلام میدارد "نفت قاره سیاه" به صورت یکی از منافع ملی استراتژیک ایالات متحده در آمده است" و جهت تامین امنیت سهم شیر بایدنفت و تروریسم را بزور سریشم بهم وصل کرد تا کسی چون اد رویس، سناتور جمهوری خواه پرنفوذ ایالت کالیفرنیا و رئیس کمیسیون جنبی آفریقا، وابسته به کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، بتواند اعلام کند که "برای تأمین امنیت ملی پس از 11 سپتامبر، نفت آفریقا را باید یک اولویت به شمار آورد!" و بالاخره معامله بزرگ نقد و نسبه را باید جورج بوش انجام دهد وقتی "غارت نفت" را با "صدور امید" (انهم واهی) معامله پایا پای میکند! وی در دیدار تابستان گذشته خود از آفریقا اعلام کرد "آفریقا در قلب ما جای دارد چرا که ما وظیفه اخلاقی خود میدانیم امید را در سرزمینهایی بر انگیزیم که ناامیدی مستولی شده است!

اما اینکه آیا امریکا برای افریقا امید است و یا بالعکس را امید وارم در این نوشته از میزان تلاشهای امریکا برای دستیابی به نفت افریقا مشخص گردانده باشم !

همانگونه که اشاره شد منابع افریقا برای امریکا هم نوید دهنده اند و هم امتیازهای سیاسی مسلمی دارند: همه این کشورها، به استثنای نیجریا، بیرون از سازمان اوپک هستند و امریکا می کوشد با جدا کردن برخی کشورهای نوپا از اوپک ، در دراز مدت تضعیفش کند. بررسی این سیاست امریکا در باره حذف اوپک و نیز نفوذش در منطقه آسیای میانه را به نوشته بعدی وا میگذارم .

در پایان جوانان ایرانی را که امید وارم موصوف توصیفات وزیر مالی نیجریه قرار نگیرند را به درس گرفتن از تجربه فرا میخوانم تا با دیده بصیرت به سرنوشت عراق و افریقا بنگرند و مصداق این جمله پیتر کوک نشوند که "من از اشتباهات خودم درس گرفتم و مطمئن هستم میتوانم هر یک از آنها را تکرار کنم!"

jalehwafa@hotmail.com